

چگونگی آشنایی با حجاب و تاثیر آن بر زندگی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

احمد رضا زارعی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

چکیده

حجاب و عفاف کامل، دستور و توصیه‌ی خداوند مهربان به همه دختران و زنان بایمان است؛ یا ایها النبی قل لازواجکم و بنائکم و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیهن؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو: جلاب‌های (روسی‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است. پوشش یا حجاب، به صورتی که زیبایی‌ها و زینت زن را بپوشاند و او را از چشم چرانی مردم هرزه و بی تربیت و آلودگان به شهوت حیوانی و حالات شیطانی حفظ کند، دستوری قرآنی، تکلیفی انسانی و برنامه‌ای اخلاقی است. اصل حجاب بنا به روایات مختلف از زمان خود پیامبر اکرم (ص) به وجود آمده است به طوری که به عنوان مثال در تاریخ می‌خوانیم که بعد از نزول سوره نور، عایشه زنان انصار را به علت رعایت حجاب تحسین می‌کند. با توجه به قرآن، تاریخ اسلام و نظر فقها، هدف از حجاب در اسلام فقط پوشاندن بدن زن از تماس با نامحرم و ممانعت از جلوه‌گری و خودنمایی اوست؛ نه پرده نشین کردن او. حجاب در اسلام از این منشا سرچشمه می‌گیرد که محل انواع التذاذهای زن و مرد از یکدیگر تنها باید محیط خانواده باشد و اجتماع منحصرأ باید محل کار و فعالیت گردد. می‌توان گفت اسلام در مورد فلسفه حجاب، جنبه‌های ذیل را در نظر گرفته است: ۱. ارزش و احترام زن: گوهر گرانها و پریمتی چون زن، قوتی در صندوق الهی حجاب قرار داشته باشد، از دستبردزدن، غارت گران و آلودگان به لجن معصیت و گناه در امان خواهد بود. زنان وقتی دیده نشوند و چهره پاک و معصوم آنان در معرض دیدگان مردم قرار نگیرد، شعله‌ی هوس‌ها و هواها، آتش آمال و غرایز به سرکشی و سوزاندن پاکی یک ملت و خراب کردن بنای معنویت یک مملکت برنمی‌خیزد. ۲. آرامش روانی: غریزه جنسی یک حس اشباع‌نشده است و در صورت رهاشدن، گرایش به آن زیاد و زیاده‌تر می‌شود. اسلام بر این پایه دستورات خاصی برای تعدیل این غریزه آتشین در زن و مرد صادر کرده است. در این بین وظایف خاص زنان پرهیز از هرگونه

خودآرایی برای جلب توجه مردان است. ۳. استحکام پیوند خانوادگی: اختصاص یافتن استمتاع‌ها و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در محدوده ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود. ۴. استواری اجتماع: کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. ۵. موفقیت‌های معنوی: زن پوشیده، از بین خود و خدا، خدا را برگزیده است. چنین انتخابی به روحیه تفکر و عمل او حال و هوای دیگری می‌بخشد و به پوشش او معنا می‌دهد و آن را عملی منطقی، خداپسندانه و در راستای حرکت‌های تکاملی او قرار می‌دهد که به زیبایی‌های درونی او تجلی بخشیده است. پوشیدگی زن نمود بارز تقوای اوست. مقام معظم رهبری در بیانات خود از حجاب به عنوان مظهر معنویت یاد نموده و می‌فرمایند: سال‌ها غرب با معنویت و با مظاهر معنویت جنگیده است. یکی از مظاهر معنویت که غرب هیچ وقت با آن سر سازگاری نداشته، حجاب بوده است. ۶. سلامت جسمانی و روانی: پوشش دینی، پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند برد و پاکی و نجابت او را می‌ستایند و از طرفی بدن و زیبایی‌های او در سایه‌ی حجابی که دارد، از چشم نامحرم‌ان پوشیده خواهد بود. در این صورت است که زن در سنگر حجاب خود از تیر نگاه‌های زهرآلود و سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه مصون خواهد بود و آرامش و امنیت درونی او برقرار خواهد شد. حجاب و پوشش دینی نگهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن آرامش و مصونیت می‌بخشد و هر چه این پوشش کامل‌تر گردد، درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود. برعکس آنچه مخالفین حجاب خرده‌گیری می‌کنند، حجاب موجب فلج کردن نیمی از افراد اجتماع نیست؛ حکم اسلام در مورد حجاب، مانع هیچ گونه فعالیت اجتماعی یا اقتصادی نیست؛ آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی و آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است. برخی از روش‌های ترویج حجاب عبارتند از: ۱. آموزش حجاب در مدارس. ۲. تشویق زنان و دختران به رعایت حجاب اسلامی. ۳. فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری در زمینه فرهنگ سازی حجاب. ۴. ترویج فرهنگ غیرت. ۵. نظارت لازم بر رسانه‌های جمعی. ۶. فعالیت‌های موثر قوای سه‌گانه در امر ترویج و گسترش فرهنگ حجاب. ۷. امر به معروف و نهی از منکر. ۸. تقویت عقلی و منطقی حجاب در بین زنان.

واژگان کلیدی: حجاب، عفاف، فرهنگ، زندگی اجتماعی، جامعه، عفت

مقدمه

پوشش و حجاب به مثابه رسانه ای ارتباطی و به عنوان کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد. در سال های پس از انقلاب، به دلیل آسیب پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه شد و رعایت نکردن حجاب اسلامی، موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به مسئله ای اجتماعی شد. یکی از بزرگ ترین معضلات کشور ما طی سالیان گذشته کمرنگ شدن تدریجی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و به ویژه شهر تهران (به عنوان شهر الگودهنده به دیگر نقاط کشور) بوده است. در واقع این مشکل از آنجا ناشی می شود که «معروف» ها در جامعه ما فرایند نهادینه شدن را به درستی طی نکرده اند و به همین دلیل اکنون شاهد بازگشت مجدد به برخی «منکر»ات از جمله پدیده بدحجابی و بی حجابی در جامعه هستیم. (محبوبی منش، ۱۳۸۶) علت این مسئله را می توان فقدان نگاه راهبردی و روش مند به نهادینه کردن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه دانست. در واقع اگر تاریخ مواجهه با مسئله بدحجابی پس از انقلاب اسلامی را مرور کنیم، مشخص می شود پرداختن به مسئله حجاب طی سالیان متمادی پس از پیروزی انقلاب دچار افراط و تفریط های فراوان شده و هیچگاه خط مشی اصولی و بلندمدتی بر این مسئله حاکم نبوده است؛ کماینکه هم اکنون نیز در کشور، خط مشی روشن، روشمند و قابل اجرایی در این زمینه وجود ندارد، اما آنچه اکثریت قریب به اتفاق مسئولان در زمینه مسئله عفاف و حجاب قائل به آن هستند، لزوم فرهنگ سازی در این زمینه است و هرگاه مسئله بدحجابی مطرح شده، عده ای نسخه برخورد فیزیکی را طرح کرده و مخالفان این روش، لزوم انجام فعالیت های فرهنگی و حل این مشکل از طریق اصلاح فرهنگ را گوشزد کرده اند. به نظر می رسد با توجه به آنکه پدیده بدحجابی دارای گونه های مختلفی در جامعه ماست، باید برای اصلاح وضعیت عفاف و حجاب، فرایندی حساب شده طراحی کرد که این امر نیز خود مستلزم یک طراحی حساب شده و علمی، به دور از قضاوت های احساسی و مطالعه نشده است. (راغب الاصفهانی، ۱۳۶۲، ۳۳۹)

بخش اول: بررسی و شناخت واژه عفاف و حجاب

عفاف واژه ای عربی است که با فرهنگ اسلامی و دینی وارد زبان فارسی شده است. عفاف را به معنای خودنگهداری و باز داشتن نفس انسانی از محرّمات و خواهش های شهوانی دانسته اند. راغب اصفهانی در «المفردات فی غریب القرآن»، ذیل ماده عف می گوید: «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبه الشهوة والمتعطف المتعاطی لذلك بضرب من الممارسة والقهر»

«عفت حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌شود و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد.» (از لحاظ اصطلاحی، عفاف معنایی فراخ‌تر از پاکدامنی و پالودگی از فحشا و زنا دارد و قرآن کریم و نصوص روایی نیز عفاف را در معنای وسیع‌تر از عفاف و پاکی جنسی به کار برده و آن را به معنای در پیش گرفتن رویه اعتدال، خود نگهداری، تسلط بر خویش، صبری و ایستادگی در برابر کام‌جویی ناروا می‌دانند که در حوزه تمایلات جسمی و جنسی می‌گنجد، و نفس انسانی خواهان برآورده شدن بی‌قید و حصر آن نیازهاست.) (هاشمی، ۱۳۸۴)

بند اول: حجاب

حجاب از لحاظ لغوی، هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده و حاجب به کار می‌رود. ولی در اصطلاح فقهی، حجاب پوشش زن در برابر بیگانه است. البته کتب فقهی از واژه حجاب به این معنی کمتر بهره گرفته‌اند و برای بیان این مقصود در دو مقوله «کاملاً مرتبط «پوشش» و «نگاه»، از دو واژه «ستر» و «نظر» استفاده کرده‌اند. از نظر استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده بدین معنا نیست که زنان از خانه بیرون نروند و در خانه محبوس باشند بلکه پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. (مطهری، ۱۳۷۸، ۷۴)

هنگامی که جهان بینی فرد توحیدی باشد، به ربوبیت خداوند و اینکه او تربیت‌کننده و مربی ما به سوی بهتر زندگی کردن در این دنیا و جهان آخرت است باور پیدا می‌کند و از آنجایی که یکی از راه‌های بهتر زندگی کردن رعایت عفت و حیاست، لذا عفت و حیا برای از راهنمایی‌های این مربی ارزش می‌شود و در نتیجه در رفتارهای او رفتاری به نام حجاب بروز و ظهور می‌کند. از لحاظ جامعه‌شناختی، پدیده‌های اجتماعی و از جمله حجاب، به صورت مشترک توسط اعضای اجتماع ساخته و پرداخته می‌شوند، به نحوی که در ابتدا هر فردی یک برداشت از یک دیده اجتماعی دارد، سپس افراد مختلف برداشت‌های خود را طی تعاملات اجتماعی با یکدیگر در میان گذاشته و نقاط تفاوت و افتراق این برداشت‌ها به یکدیگر نزدیک شده و نیز برداشت‌های اشتباه طی این تعاملات اصلاح می‌شود و یک واقعیت اجتماعی مشترک شکل می‌گیرد که تمامی افراد اجتماع آن را پذیرفته و به عنوان یک هنجار اجتماعی به آن گردن می‌نهند و این واقعیت اجتماعی ساخته شده، توسط خود آن اجتماع به رفتارهای اجتماعی آنها جهت می‌دهد. همان گونه که برگزیده و لااکن نیز می‌گویند، واقعیت اجتماعی به هر دو صورت ذهنی و عینی وجود دارد و بنابراین هرگونه تلاشی برای فهم و تغییر آن، باید هر دوی این جنبه‌ها را عینی در

نظر بگیرد. این دو جنبه هنگامی به خوبی شناخته می شوند که جامعه به صورت یک فرایند مستمر دیالکتیک شامل سه مرحله بیرونی کردن، عینی کردن و درونی کردن درک شود. (یزدخواستی، ۱۳۸۶: ۴۵) بر اساس یک تعریف کلاسیک، اجتماعی شدن - که ریشه های عمیقی در جامعه شناسی و کنش متقابل نمادین دارد - فرایند آشنا کردن کنشگران با هنجارها و قواعد یک جامعه است. نتیجه اجتماعی شدن، تمکین مستمر مبتنی بر درونی شدن این هنجارهای جدید است. در به کارگیری قواعد اجتماع، اجتماعی شدن به این معناست که یک عامل، از پیروی «منطقی از پیامدها» به پیروی «منطقی از تناسب ها» منتقل می شود؛ این به کارگیری در طول زمان استمرار یافته و کاملاً مستقل از یک ساختار مشخص از محرک ها یا فرمان های مادی است. (همان)

بند دوم: نهادها

نوع پوشش زن و مرد (حجاب)، در هر جایگاهی (مکان و زمان)، محصول نهادهای اجتماعی گذشته است. نهادهای اجتماعی، علاوه بر تأمین نیازهای اساسی انسان ها، رفتار آنها را بر اساس الگوهای اجتماعی سازمان یافته و نسبتاً پایدار تعیین می کنند. این نهادها به فعالیت های افراد جامعه نظم بخشیده و راه حل هایی برای مشکلات کنش جمعی ارائه می کنند؛ به طور مثال، از طریق ایجاد یک ساختار نسبتاً ثابت برای تعامل انسان ها، عدم اطمینان را در زندگی آنها کاهش می دهند. نهادهای اجتماعی حد و مرز انتخاب های افراد را تعیین و محدودیت هایی را بر افراد جامعه تحمیل می کنند که آزادی کنش را محدود کرده و به این ترتیب موجب ساختارمند شدن رفتارها و روابط افراد می شود و فرصت طلبی را کاهش می دهد. در این شرایط عدول از هنجارها تنبیه شده و به رعایت هنجارها پاداش داده می شود؛ بنا بر این هنجارهای نهادی، علایق در هم تنیده منفی یا مثبت را ایجاد می کنند. (چکل، ۲۰۷۷)

در حوزه جامعه شناسی دو مفهوم کلی از واژه نهاد مستفاد می شود: اول مفهوم مکانی (یا مادی) به معنی ایجاد و یا تأسیس محل و مکانی برای انجام امور خاص یا برآوردن نیازهای خاص و معین بنگاه و مؤسسه. در این مفهوم، هر نهادی لاجرم یک سازمان نیز هست ولی برعکس هر سازمانی نهاد نیست. با توجه به سطح فعالیت ها، نهادها در سطوح بین المللی و یا در سطح ملی و یا سازمانی تأسیس می شوند؛ دوم مفهوم فرهنگی یا موضوعی (غیرمادی، معنوی) که به معنی قواعد، مقررات، هنجارها، ارزش ها و اصول رفتاری است. همگی این معانی، مفهوم مشترکی دارند که عبارتند از بیرونی کردن و عینیت بخشی به رویه ها، نگرش ها و باورهای گوناگون و متفاوت فردی برای غیرشخصی کردن، نظم و ساختاربخشیدن به آنها برای رسیدن به یک برداشت و ادراک واحد یا مشابهی از پدیده ها. نهاد در این مفهوم، از مقررات ریز سازمانی گرفته تا باورهای

فرهنگی در جامعه و از یک بخشنامه اداری گرفته تا قانون اساسی یک کشور را شامل می‌شود. (چلبی، ۱۳۷۵)

از نگاه نهادگرایی در هر جامعه نهادها قواعد بازی را تعیین می‌کنند. «نهادها راهنمای کنش متقابل انسان‌ها هستند و غیره. حد و مرز مجموعه انتخاب‌های افراد را تعیین می‌کنند». کارکرد اصلی نهادها در هر جامعه «تأسیس یک ساختار باثبات (اما نه لزوماً کارا) برای کنش‌های متقابل انسانی» است و هدف از آن «کاهش عدم اطمینان» است. در واقع این نهادها هستند که تعیین می‌کنند افراد چه کارهایی می‌توانند انجام دهند و از انجام چه کارهایی منع شده‌اند؛ از این رو نهادها کاملاً به قواعد بازی در یک ورزش رقابتی تیمی شباهت دارند. به عنوان مثال بازی فوتبال دارای یک سری قواعدی است که چهارچوب بازی را تعیین می‌کند. طول و عرض زمین، طول و ارتفاع دروازه، موارد خطا، تعداد اعضای هر تیم و غیره همگی قواعد بازی هستند.

اساساً نهادها دارای ویژگی‌ها و کارکردهای خاصی هستند و همین ویژگی‌ها باعث اهمیت و عمق تأثیرات آنها در جامعه شده‌است. این ویژگی‌ها عبارتند از :

استمرار: نهادها از پایداری، دوام و استمرار نسبی برخوردارند. هنجارها و الگوهای ثابت رفتاری که نهادها از اعضای جامعه انتظار دارند، به صورت بخشی از فرهنگ هر جامعه درمی‌آید و به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. (محبوبی منش، ۱۳۷۶)

انعطاف‌پذیری: نهادها از پویایی، تحول‌پذیری و انعطاف‌پذیری برخوردارند و قابلیت تطبیق با نیازهای متغیر انسا‌های را در طی زمان دارند، برای مثال خانواده گسترده که در جوامع کشاورزی مرسوم بود در جوامع صنعتی به شکل خانواده هسته‌ای درآمده‌است، یعنی شکل خانواده در گذر از جامعه کشاورزی به صنعتی تغییر یافته‌است.

انحلال‌ناپذیری: نهادها انحلال‌ناپذیرند، یعنی نمی‌توان یکی از آنها را از جامعه حذف کرد، چراکه نیازهای اجتماعی زیربنایی را در جامعه برآورده می‌سازند؛ برای مثال در صورت نبود.

نهاد آموزش، جامعه تعادل واقعی نخواهد داشت، زیرا به دلیل وابستگی متقابل نهادها، کارکرد یک نهاد، کارکرد سایر نهادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر نهاد، ارزش‌ها و هنجارهایی دارد که اکثر اعضای جامعه آن را می‌پذیرند الزام و اجبار و رعایت می‌کنند، خواه در ایجاد آنها مشارکت داشته باشند یا خیر، یعنی نهادها از خاصیت تحمیل‌شوندگی و عمومیت برخوردارند.

اثرگذاری بر رفتار افراد یکی از ویژگی‌های اصلی نهادها است. یک نهاد باید به رفتار اعضای خود جهت بدهد که این جهت‌گیری ممکن است رسمی یا غیررسمی باشد. (چلبی، ۱۳۷۵)

ساختاری و غیرفردی بودن: نهادهای اجتماعی و ساخت‌های نهادی همانند پدیده‌های فرهنگی، وجودی مجازی و نه مادی دارند. بنابراین، الگوهای نهادی در اذهان افراد جای دارند، اما در عین حال از عینیتی مجازی هم برخوردارند که آنها را در موقعیتی ماورای موقعیت افراد خاص قرار می‌دهد. در واقع این الگوها در ذهن افراد جا دارد و تنها به واسطه افراد می‌تواند کاملاً متجلی شود، اما این واقعیت که این الگوها در میان بسیاری از اعضای جامعه مشترک است، به آنها خصلتی ماورای فردی می‌دهد. افراد می‌آیند و می‌روند، اما الگوهای نهادی باقی می‌ماند؛ بنابراین، توجه به ویژگی‌های ذهنی نهادهای اجتماعی باید با توجهی همسان به واقعیت عینی آنها، تعدیل شود. ثبات: نهادها سخت و ثابت‌اند و تغییر عقیده فرد یا انکار آنها توسط یک فرد، موجب تغییرشان نمی‌شود. نهادها در مقابل تلاش برای تغییر مقاومت می‌کنند و انواع کنش‌ها را محدود و مقید می‌سازند. وجود احساسی از ارزش‌ها و معانی مشترک: در میان اعضای نهادها احساسی از ارزش‌ها و معانی مشترک وجود دارد. (همان)

بخش دوم: فلسفه حجاب

۱- حرمت بخشیدن به زن

زن گوهر گرانبهای الهی است که باید خود را در صدف حجاب نگهداری کند. زن مسلمان تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است. زن اگر موقعیت خود را در نظام آفرینش بیاید، حقیقت و ارزش خود را درک کند، بداند از کجا آمده است؟ در کجا قرار دارد؟ و به کجا می‌رود؟ از پوشش دینی به عنوان یک نیاز جدی خود بهره می‌گیرد و هرگز جامعه را صحنه نمایش تن و تحرکات جنسی خود قرار نمی‌دهد. (قلی‌پور، ۱۳۸۶)

۲- امنیت و آرامش برای زن

در سایه عفاف، زن با شهامت هر چه تمامتر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی‌شود، پوشش دینی پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهد داشت که پاکی و نجابت او را می‌ستایند. اگر زن از حصار منیع پوشش درآید، در معرض ضربات دیده‌های آلوده و قلوب منحرف قرار می‌گیرد و آرامش خود را از دست داده و نهایتاً نجات از تلاطم امواج بلا را نامعلوم می‌سازد.

۳- جواز حضور در اجتماع

اسلام با طرح پوشش در حقیقت جواز حضور در اجتماع او را رقم زده است و با دستورات حکیمانه و راهگشایی که در چگونگی منش و روش او ارائه داده از یک سوی این نیروی عظیم را

از تباه شدن و در گوشه‌ای بی هدف و اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فساد گستره و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط مرد و زن را گرفته است.

۴- استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دل‌سردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

خودنمایی و حضور تحرک آمیز زنان و دختران در صحنه‌های اجتماعی، نظر هر مرد متأهل و مجردی را به خود جلب می‌کند. وقتی چشم‌های مردی در محیط‌های مختلف اجتماعی از دیدن مناظر مسموم توجه به زنان و دختران کامیاب شود، طبعاً میزان علاقه او نسبت به همسرش کاهش می‌یابد، این کاهش علاقه در بلند مدت استحکام پیوند خانوادگی را به سستی و در نهایت به جدایی مبدل می‌کند.

۵- مبارزه با نفس

میل به خودنمایی و جلوه‌گری به مصالحی در سرشت زن، نهفته است که باید در مسیر درست و هدفی والا بکار گرفته شود، پوشش را می‌توان مهمترین عامل تعدیل میل خودنمایی دانست، حضرت علی (ع) در این مورد می‌فرماید:

زَكَاتُ الْجَمَالِ، الْعَفَافُ.

«زکات زیبایی عفاف است.»

زیبایی برای زن، سرمایه است اما باید بجا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر، این غریزه را جهت می‌دهد که خودآرایی زن مختص به شوهر باشد و منع آن در برابر نامحرم، این غریزه را کنترل می‌سازد و از مرزشکنی جلوگیری می‌کند، تعدیل این غریزه می‌تواند گامی در جهت مبارزه با سایر خواهرهای نفسانی باشد. (سلطانی تیرانی، ۱۳۷۸) با توجه به موارد اشاره شده فوق در این قسمت به روش‌های کاربردی و قابل اجرا در ترویج فرهنگ حجاب در جامعه پرداخته می‌شود، و برای اینکه به راهکارهای مشخص و دقیق تری برسیم موارد با شماره گذاری تفکیک شده است.

بخش سوم: روش‌های کاربردی در ترویج فرهنگ حجاب در جامعه

۱- تقویت ایمان و اعتقاد دینی

در زنان مسلمان باید باور استوار و ایمان عمیق ایجاد شود، زنی که دل به حق داده و اندیشه به خدا

سپرده و فرجام زندگی دنیوی اش را پذیرفته، چطور حاضر می شود خودآرایی و خودنمایی کند و خود را در معرض دیدهای آلوده قرار دهد و زمینه های تلذذ دیگران و فساد آفرینی را بوجود آورد؟

بنابراین اولین گام و حرکت اصولی در ترویج فرهنگ حجاب، آشنایی کامل با دین و تقویت اعتقادات اسلامی در بین افراد جامعه، علی الخصوص بانوان محترم می باشد. اگر ما دین و ایمان را به معنای واقعی آن در بانوان مستحکم نمائیم، دیگر مشکلی تحت عنوان بدحجابی در جامعه اسلامی نخواهیم داشت، برای نمونه توصیه قرآن کریم به بانوان را بخوانیم که می گوید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ.
 «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو خود را با «جلبات» بپوشانند.»

بنابراین تقویت ایمان و اطاعت از دستورات پروردگار عامل پایدار و درونی بسیار مهم در ترویج فرهنگ حجاب در جامعه باشد و در نقطه مقابل، کوتاهی در تقویت ایمان و عدم تبعیت از دستورات الهی، نتیجه بالعکس به ارمغان خواهد آورد. (وزیری، ۱۳۸۶)

۲- احیاء فرهنگ اصیل اسلامی

احیاء ارزش های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به تعقل و دریافتن ارزش ها و آفریدن روح تعبد و تعهد نسبت به اینها نقش مهمی در ترویج فرهنگ حجاب خواهد داشت. زن مؤمن باید به آنچه اسلام به عنوان ارزش بدان می نگرد، باور داشته باشد و بداند که شخصیت و عظمت او در گرو روح بلند، اندیشه والا، قلب پاک و جان پیراسته از آلودگی است که او را به روشی انسانی و منشی اسلامی فرا خواهد خواند و بداند تن آرایه بسته و ظاهر فریبده هرگز نمایشگر شخصیت او نیست. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «دو گروه از اهل آتشند که من آنها را ندیدم؛ گروهی که تازیانه هایی همانند دم گاو دارند و به انسانها می زنند و زنانی که در عین پوشیدگی برهنه اند (لباسهای نازک و بدن نما می پوشند)، هوسباز و دلفریبند، موهای آنها همانند کوهان شتر جلوه گر است. اینها وارد بهشت نمی شوند و بوی آن را هم استشمام نمی کنند، اگر چه بوی بهشت از مسیر بسیار دور استشمام می شود. (ایروانی، ۱۳۸۰)

۳- شناساندن و معرفی الگوهای والا در زمینه ی حجاب

الگوها در ساختار روحی و رفتاری انسان نقشی مهم بر عهده دارند. امروزه یکی از تأسفه های جدی این است که زن مسلمان آنچنانکه بایسته و شایسته است با چهره های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست، زندگانی زنان نام آوری همچون حضرت مریم (ع)، حضرت زهرا (س) و فرزند برومندش پیام

آور عاشورا حضرت زینب (س) و دیگر چهره های والای تاریخ گذشته و معاصر باید برای زن مؤمن نشان داده شود تا بنگرد چه سان با حفظ هویت و شخصیت و وقار و متانت می تواند در جامعه حضور پیدا کرده و ایفای نقش نماید. باید توجه داشت که انسان فطرتاً الگوگزين و الگوپذیر است. پیوسته در این اندیشه است که ارزش هایی را که بدان باور دارد در چهره ای مجسم بنگرد و خود را همانند آن الگو بسازد. بنابراین دادن الگوهای مناسب قدمی مهم در ترویج فرهنگ حجاب خواهد بود. فاطمه زهرا (س) که مظهر عفاف و سرمشق و سرور تمامی زنان مسلمان است فرمود: «بهترین زنان، زنی است که مردی را نبیند و مردی هم او را نبیند.» حضرت زهرا (س) هنگامی که قدم در عرصه اجتماع می گذاشت مقنعه را محکم به سر بسته و خود را در جامه ای فراگیر می پیچید، با ابهت، آزر و متانت شگرفی قدم برمی داشت و برای همگان راه رفتن او گام زدن رسول الله (ص) را به یاد می آورد.

۴- کتب درسی

قدم مؤثر و عملی دیگر در ترویج فرهنگ حجاب، گنجاندن مطالب مهم در زمینه حجاب پوشش و آموزش های لازم در این زمینه در کتب درسی دوره های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه می باشد. در کشور ما جمع نیروهای محصل اعم از دانش آموز یا دانشجو بالغ بر بیست میلیون نفر می باشند و این یعنی حدود یک سوم کل افراد جامعه، پس بر مجریان تعلیم و تربیت کشور واجب است که جهت حفظ ارزش های اسلام و اشاعه فرهنگ حجاب به نسل نو اقدامات جدی تر از خود نشان داده و در شکل های مختلف در لا به لای کتب درسی (علی الخصوص دختران) به یادآوری و آموزش فرهنگ حجاب بپردازند، البته تعیین محتوای مطالب با توجه به ظرفیت های درک و فهم بر اساس سن و سال، برعهده کارشناسان تعلیم و تربیت و اساتید حوزه و دانشگاه می باشد. پس در عصر جدید کتب درسی یکی از مهمترین ابزار برای معرفی و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه می باشد و عدم برنامه ریزی و توجه دقیق به این بخش ممکن است در دراز مدت باعث فراموشی ارزش های والای اسلام و فرهنگ متعالی حجاب گردد. (وزیری، ۱۳۸۶)

۵- روزنامه ها و مجلات

ابزار فرهنگی دیگری که می تواند در خدمت معرفی و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه قرار بگیرد، روزنامه ها و مجلات می باشند. امروزه تقریباً اکثریت مردم جامعه به نحوی با روزنامه ها و مجلات سر و کار دارند و در آینده نقش روزنامه ها و مجلات افزونتر خواهد گردید. بنابراین ما می توانیم با برنامه ریزی درست، منسجم و هدفدار از این رسانه های گروهی برای آموزش

مخاطبان خود استفاده نمائیم. البته ترویج فرهنگ حجاب می تواند در قالب شعر، داستان، طراحی، نقاشی و سایر اشکال دیگر باشد. گاهی اوقات نوشته ای که در قالب یک داستان کوتاه ارائه شده باشد می تواند، نقش عجیب و فوق العاده ای را در مخاطب خود ایجاد نماید. در این زمینه ما می توانیم یک ابلاغیه رسمی به تمام نشریات کشور صادر نمائیم که حتماً بخشی از مطالب نشریات خود را به ترویج فرهنگ حجاب بپردازند، و نشریات پر تلاش در این زمینه ها را تشویق و مورد حمایت های مالی قرار دهیم. پس نقش رسانه های گروهی، علی الخصوص روزنامه ها و مجلات را نباید در معرفی و اشاعه فرهنگ حجاب به جامعه ضعیف در نظر گرفت و ما در صورتی در اشاعه فرهنگ حجاب به جامعه موفق خواهیم بود که از همه ابزارها به نحو احسن استفاده نموده و توان استفاده مفید از نشریات را به حداکثر برسانیم. (قلی پور، ۱۳۸۰)

۶- تلویزیون

جعبه اطلاع رسانی فوق العاده مؤثر دیگر در ترویج فرهنگ حجاب تلویزیون می باشد. امروزه تلویزیون در متن و بطن زندگی مردم قرار گرفته است و می شود گفت که تقریباً همه افراد جامعه از این رسانه عمومی به نحوی استفاده می کنند. مخاطبان تلویزیون یک گروه خاص و محدود نیستند، بلکه مخاطبش همه می باشند. پس بر مسئولین فرهنگی کشور، علی الخصوص صدا و سیما فرض است که با برنامه ریزی درست و واقع بینانه از این رسانه عمومی به نحو مطلوب و شایسته ای در جهت ترویج فرهنگ حجاب استفاده نمایند. در تلویزیون، ما می توانیم اهداف خود را در قالب فیلم، میان پرده های کوتاه، جملات کوتاه، کارتون، میزگردهایی با مضامین حجاب، مسابقاتی در این زمینه بیان نماییم. ضمناً اشاعه و ترویج باید منسجم، هدفدار و همیشگی باشد و بی شک بهترین و مؤثرترین و پر کیفیت ترین ابزار در ترویج فرهنگ حجاب در عصر کنونی تلویزیون می باشد.

۷- رادیو

رادیو ابزار دیگری است که مکمل کار تلویزیون در اشاعه و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه است. تقریباً همه وسایل نقلیه با رادیو سر و کار دارند و طولانی بودن مسافرت ها و یا تردد در شهرها، الزامات روانی برای رانندگان و مسافران ایجاد می نماید که از رادیو برای رفع خستگی و تنوع استفاده نمایند. ضمناً نوع کار برخی از هموطنان به گونه ای است که در حین کار معمولاً از رادیو استفاده می کنند و با توجه به اینکه مخاطبان رادیو اقشار وسیعی از مردم اجتماع می باشند، مسئولین صدای جمهوری اسلامی می توانند به طور مرتب و در فاصله های زمانی مشخص جمله یا حکایتی که مروج فرهنگ حجاب در جامعه باشد را بیان نموده و بدین طریق سهمی در گسترش و

اشاعه فرهنگ حجاب در جامعه داشته باشند.

۸- کتب و آثار نوشتاری

بی شک اگر ما بخواهیم در اشاعه و گسترش فرهنگ حجاب موفق و پر کیفیت ظاهر شویم، باید کتب و آثار نوشتاری فراوانی در این مورد بنگاریم و در اختیار بانوان جامعه قرار دهیم. در بسیاری از موارد سستی ها و کم کاری های ما در این زمینه باعث می گردد که خدای ناکرده دشمن از موقعیت های مناسب استفاده نموده و آثار مخرب خود را گسترش داده و نسل جدید را به سمت و سویی که خود می خواهد سوق دهد. کار دیگری که می شود در این مورد انجام داد این است که نشریات و هفته نامه هایی ویژه حجاب و پوشش تهیه نموده و در حجم های اندک و با قیمت های ارزان در اختیار جامعه، علی الخصوص دختران نسل نو قرار داد. ما می دانیم که عصر حاضر عصر فرهنگ و تبلیغات است و ما برای موفق تر ظاهر شدن در عرصه تبلیغات ابزار و وسیله می خواهیم که یکی از این ابزارها کتب و آثار نوشتاری برای اشاعه فرهنگ حجاب در جامعه می باشد.

۹- برگزاری مسابقات سراسری در زمینه حجاب و پوشش

از جمله ابتکارات دیگری که ما می توانیم در زمینه ترویج فرهنگ حجاب از آن مدد بطلبیم، برگزاری مسابقات سراسری در زمینه فرهنگ حجاب و پوشش در کشور می باشد. معمولاً کلمه « مسابقه » به دلیل اثرات مثبت روانی که در افراد ایجاد می نماید، سبب می شود که مخاطبان مسابقات با دقت و موشکافی بیشتری به مسئله مورد نظر بنگرند. سوالات مسابقه می توانند تستی یا تشریحی باشد و مجریان برگزار کننده این مسابقات می توانند جزوه یا کتابی را که به مسئله فرهنگ حجاب و پوشش مربوط می شود را از قبیل تهیه و تیراژ گسترده در اختیار علاقمندان قرار دهند. با برگزاری این قبیل مسابقات ما به دو هدف عمده رسیده ایم: اول این که همگان را به مطالعه دقیق تر در زمینه مورد نظر فرا خوانده ایم؛ دوم این که ما می توانیم از شرکت کنندگان، راهکارهای بهتری را برای گسترش فرهنگ حجاب بیابیم. در نتیجه در روش های جدیدتر آن راهکارهای را نیز به کار گیریم. البته هدف اصلی از برگزاری این گونه مسابقات جلب توجه عامه مردم به سوی فرهنگ حجاب و پوشش می باشد که یقیناً از طریق این گونه فعالیت های فرهنگی ما به اهداف خود خواهیم رسید.

۱۰- استفاده از نقاشی، طرح ها و آثار گرافیکی

در بعضی موارد برای اینکه اثرات روانی - اجتماعی ترویج را بالا برده و بر کیفیت اطلاع رسانی خود بیافزاییم لازم است که فرهنگ ترویج را از حالت یکنواخت و یکسویه خارج نموده و به امر

اطلاع رسای تنوع بخشیم.

در این خصوص ما می توانیم طرح ها و آثار گرافیکی و یا نقاشی را برگزینیم. گاهی اوقات تأثیر و اثر یک طرح یا نقاشی به مراتب بیشتر از آثار نوشتاری و قلمی می باشد که این طرح ها علی الخصوص برای دانش آموزان و نوجوانان جذابیت بیشتری خواهد داشت. در مورد موفق شدن در این زمینه ها ما می توانیم از هنرمندان محبوب و برجسته کشور مدد بطلبیم و آنان را به یاری خویش فرا خوانیم. البته آثار این قسمت می تواند به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم گردد. در طرح های عمومی ما اشکال و آثاری را که برای عامه مردم قابل درک و تصور است. ترسیم می نمایم و در طرح های اختصاصی به تناسب نوع، جنس و سن و سال و سطح درک و فهم افراد، آثاری را که بار ترویج فرهنگ حجاب و پوشش دارد را ارائه می نمایم. این طرح ها و آثار می تواند بر روی بعضی از ساختمان های نقاط پر تردد شهرها و یا مکان هایی از این قبیل ترسیم گردد.

۱۱- برگزاری مرتب فراخوانی های مقالات

از جمله راهکارهای مؤثر در اشاعه و ترویج فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه برگزاری مرتب فراخوانی های مقالات می باشد. برای اینکه در ترویج فرهنگ حجاب به راهکارهای بهتر و صحیح تر برسیم لازم است که دست نیاز به سوی تمامی مردم کشور دراز نمایم و از آنان مدد بطلبیم، که یکی از این روش ها، برگزاری مرتب و مستمر فراخوان های مقالات در زمینه حجاب و پوشش اسلامی می باشد. چرا که در فراخوان های مقالات تمامی اندیشمندان و صاحب نظران رأی و نظر می دهند و در نهایت ما با تلفیق و دسته بندی مقالات ارسال شده می توانیم به نظر بهتر و جامع تری در مورد چگونگی گسترش و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه برسیم. پس نقش فراخوان های مقالات، هدایت به سوی راهکار جامع و صحیح تر می باشد. (وزیری، ۱۳۸۶)

۱۲- نشست های مرتب و منظم بانیان ترویج فرهنگ حجاب در جامعه

ما در زمینه اشاعه و ترویج فرهنگ حجاب باید متولیان و بانیان مخصوص داشته باشیم، از جمله فواید بسیار مهم نشست های بانیان فرهنگ حجاب، تجزیه و تحلیل برنامه های اجرایی، بررسی کیفیت برنامه های اجرا شده، انتقال تجارب مسئولین بخش ها به یکدیگر، حل و رفع مشکلات و معضلات پیش آمده، هماهنگی، اتحاد و انسجام مسئولین در بخش های مختلف کشور با یکدیگر می باشد. ضمناً با توجه به اینکه تمامی متولیان دارای سمت های اجرایی در کشور می باشند، می توانند سطح کیفی فرهنگ اشاعه حجاب و پوشش را بالاتر برده، در نهایت نقاط ضعیف را اصلاح نموده و به راهکارهای بهتر و شایسته تری در گسترش حجاب در جامعه برسند.

۱۳- نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی

بدون تردید بانیان سهیم در گسترش فرهنگ حجاب و پوشش دو نهاد مقدس ارشاد و تبلیغات اسلامی می‌باشند. جهت‌گیری‌های درست و منطقی این دو ارگان حساس می‌تواند زمینه‌های ترویج فرهنگ حجاب را گسترش بیشتری بدهد، این دو نهاد با امکانات متعدد فرهنگی که در اختیار دارند می‌توانند بستر سازی نموده و با چاپ آثار، پوستر، عکس‌ها، زندگی‌نامه‌ها و ۲۰۰۰ گسترش فرهنگ حجاب را ارتقا بخشند.

در حقیقت گسترش و ترویج فرهنگ حجاب و پوشش یک کار تبلیغاتی - فرهنگی می‌باشد و دنیای حاضر نیز دنیای تبلیغات می‌باشد. پس لازم است با تبلیغات درست، منسجم و هدفدار از سوی ارگان‌های ذیربط به نحو بهتر و شایسته تری حجاب و پوشش اسلامی را به مردم معرفی نماییم، که در این خصوص نقش سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حساس تر و کلیدی تر می‌باشد. (محبوبی منش، ۱۳۸۶)

۱۴- حوزه‌های علمیه و دانشگاهها

دو کانون حساس و بسیار مهم ارتقاء فرهنگ و دانش در جامعه، حوزه و دانشگاه می‌باشد، بانیان تبلیغ و هدایت از حوزه‌ها بر می‌خیزند، و پرچمداران علم و دانش و تخصص از دانشگاه‌ها. اگر فرهنگ حجاب و پوشش دقیقاً به این دو قشر تجویز شود، به طور قطع آنان، آن فرهنگ را در جامعه گسترش داده در نتیجه کل جامعه مروج فرهنگ حجاب و پوشش خواهند شد. پس توجه به حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و آموزش درست فرهنگ حجاب و پوشش به آنها در حقیقت راهکاری موثر در ترویج فرهنگ حجاب خواهند بود.

۱۵- احیاء فرضیه امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فروع بنیادین دین مقدس اسلام به شمار می‌رود و در جایگاه آن همین بس که در کنار عباداتی چون نماز، روزه، حج، زکات و ۲۰۰۰ مطرح شده است. بسیاری از امامان و پیامبران الهی وظیفه اصلی خویش را در امر به معروف و نهی از منکر متمرکز نموده‌اند و برای اصلاح جوامع دوران خویش از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کردند. چنانکه سالار شهیدان حسین (ع)، فلسفه قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر متمرکز معرفی نمود. گرایش و نهادینه شده این اصل می‌تواند در تحکیم فرهنگ حجاب در جامعه فوق العاده مؤثر باشد، اگر همه افراد جامعه به نوعی با روی گرداندن از افراد بد حجاب، نشان دهند که حرکت آنان مناسب نیست و همه افراد اجتماع نسبت به افراد محجبه احترام و منزلت قائل شوند، خود مروجان فرهنگ

حجاب و پوشش در جامعه خواهند بود. مطمئناً احیاء و اجرای دقیق فرضیه امر به معروف و نهی از منکر ترویج فرهنگ پوشش و حجاب را فوق العاده گسترش و استحکام خواهد بخشید. (قلی پور، ۱۳۸۴)

۱۶- نقش خانواده ها در گسترش فرهنگ حجاب

روانشناسان ثابت کرده اند که شخصیت و هویت کودک در مراحل اولیه در خانواده شکل می گیرد، کودک مانند مومی است که می شود هرگونه که خواست به آن حالت داد، بنابراین اگر والدین دوست دارند که دخترانی با حجاب و پوشش مناسب داشته باشند، باید بذرها و زمینه های آن را در کودکی استحکام بخشد و خود رعایت اصول و قواعد پوشش مناسب را در محیط خانواده بنمایند، چرا که الگوی کودک، والدین و اعضای خانواده می باشد. جداسازی اتاق خواب کودکان، رعایت مرزهای اخلاقی، بهره گیری از پوشش مناسب و اقداماتی از این قبیل می تواند در نهادینه کردن فرهنگ حجاب فوق العاده مؤثر باشد. و ما باید بدانیم که اگر خانواده در آموزش درست فرهنگ حجاب به فرزندان خود، تلاشگر باشد انشاء الله مشکلی تحت عنوان بدحجابی در آینده جامعه نخواهیم داشت. ولی اگر والدین اهمیتی به پوشش مناسب ندهند و خود اصول و قواعد پوشش مناسب را رعایت نکنند، بالطبع فرزندان نیز با الگو برداری از آنان، نمونه های رفتاری آنها را در خود پیاده می کنند و خود را شبیه والدین در الگوهای رفتاری می نمایند. (وزیری، ۱۳۸۶)

نتیجه گیری

جامعه اسلامی ایران امروز، جامعه ای است که از فراز و نشیب ها و حوادث بسیاری گذشته است، دشمنان انقلاب ما روز و شب با نقشه های شوم خود از هیچ کوششی جهت به بن بست رسانیدن این انقلاب فروگذار ننموده اند و در این راستا پس از بحث تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی هجوم فرهنگی را به عنوان آخرین و مهم ترین گزینه انتخاب کرده اند. استکبار جهانی برای دستیابی به ذخایر انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، سد استواری را در مقابل خود احساس نمود که ریشه در هویت دینی، ارزش های معنوی و بنیان های عقیدتی توده ی مسلمانان این نواحی داشت و برای جدا کردن مردم از چنین عامل عزت و اقتدار مذهبی، تصمیم گرفت فرهنگ و سنن مسلمین را مورد استحاله قرار دهد تا سلطه سیاسی - اقتصادی خود را بر ملل مسلمان تأمین کند. به سستی کشانیدن اصالت های دینی، ترویج فرهنگ غرب و مسخ هویت اعتقادی، از ابزارهای این حرکت تخریبی بود. عالی ترین مظاهر و ارزش های کشور مسلمانان را مورد تعدی قرار دادن و به اسم تمدن و تجدد و نیز سایه شوم بیگانگی فرهنگی را تیره تر ساختن و صدای

منحوس بیگانگان را قوی تر نمودن بدون مقاصد سیاسی صورت نگرفته است. در واقع پوشش شرعی و این مظهر پاکی با معنای ژرف خود، مانعی در مقابل دیدگان طمعکاران و گمراهان به وجود می آورد و همچون زره محکمی از عفت زن دفاع می کرد و عصیانی علیه شرک و کفر به شمار می آمد. آنان مشاهده کردند این دژ استوار و نفوذپذیر در مقابل وزش توفان های تیره و آلوده و اسارت زای غرب، در زنان مسلمان مصونیت ایجاد کرده و تا زمانی که آنان در سنگر حجاب و پوشش هستند، چنگال کرکس های استعمار بدان ها نخواهد رسید و بر این اساس شیاطین و عوامل آن درصدد انهدام این دژ استوار افتاد و تخریب آن را با تبلیغات وسیع و همه جانبه جزو برنامه های اساسی خود قرار داده تا زن مسلمان را از سنگر حافظ ارزش ها به دام اسارت استکبار غوطه ور نمایند. زنان مسلمان ایران با ایفای نقش مهم خود با حجاب و پوشش اسلامی در انقلاب در شکل مستقیم و با حضور فعالانه خود و نیز در شکل غیرمستقیم یعنی تهییج و فعال نمودن مردان و ایثار جوانان خود، پیروزی انقلاب اسلامی را تضمین کرده اند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- چلبی، م (۱۳۷۵). جامع هشناسی نظم، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- راغب الإصفهانی، ح (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق و ضبط محمد سید کیلانی، بی جا
- سلطانی تیرانی، ف (۱۳۷۸). نهادی کردن نوآوری در سازمان، چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قلی پور، آ (۱۳۸۰). جامعه شناسی سازما نها: رویکرد جامعه شناختی به سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
- محبوبی منش، تحلیل اجتماعی مساله حجاب، کتاب زنان، ش ۳۸
- مطهری، م (۱۳۷۴). مسئله حجاب، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات صدرا
- یزدخواستی، حجاب زنان با رویکرد جامعه شناختی، ش ۳۸، ص ۳۷۶۱